

## مدیریت فرهنگی و توسعه از دیدگاه امام خمینی (س)

### عصمت سوادى<sup>۱</sup>

چکیده: فرآیند مدیریت، از جمله مسائل بسیار مهم جوامع بشری است، بالاخص مدیریت فرهنگی، که جزء لاینفک توسعه عمومی است، اگر فرهنگ یک جامعه، قوی، علمی و توسعه یافته باشد، به راحتی آن جامعه در مسیر پیشرفت قرار خواهد گرفت. امام خمینی فرهنگ را مهمترین عنصر توسعه قلمداد نموده است، موجودیت و هویت هر جامعه‌ای را منبث از فرهنگ آن جامعه می‌داند. ما در این مقاله، به روش کتابخانه‌ای، اسنادی و تجزیه و تحلیل محتوا، به دنبال این هستیم که مدیریت فرهنگی را با سیری در سیره نبوی، علوی و امام خمینی مورد تحقیق و بررسی قرار داده و ضمن تبیین نظری نقش بسیار مهم فرهنگ ا در هویت بخشی به جوامع، ثابت کنیم که با توسعه فرهنگ صحیح می‌توان به پیشرفت‌های اخلاقی، علمی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، دینی و ... دست یافت و، با فرهنگ سازی اهداف عالی‌ای که در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران وجود دارد می‌توان مردم را عاشقانه به سمت و سوی آن اهداف مقدس سوق داد و رضایت خدا و مردم را به دست آورد و در پایان، ضمن یک نتیجه‌گیری از کل مقاله در راستای آسیب‌شناسی مدیریت فرهنگی به این مسئله پرداخته‌ایم که مدیریت فرهنگی به چه سبک و شیوه‌ای باید باشد تا بتواند محور توسعه در یک جامعه قرار گیرد. پیشنهاد کلیدی ما در این مقاله این است که مدیریت فرهنگی، باید از طریق آموزش، وسایل ارتباط جمعی، یافته‌ها و دستاوردهای علمی، مؤسسات و ادارات فرهنگی، شناخت نقاط قوت و ضعف در برنامه ریزی‌های خرد و کلان کشور اعمال گردد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت فرهنگی، توسعه عمومی، امام خمینی، سیره علوی، سیره نبوی

### مقدمه

Email: e\_savadi@yahoo.com

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۲۳

پژوهشنامه متین/سال هفدهم/شماره شصت و هشت/ پاییز ۱۳۹۴/صص ۴۲-۲۳

مدیریت، فرآیند به کارگیری مؤثر از منابع انسانی و مادی در برنامه ریزی، سازماندهی و بسیج امکانات و هدایت آنها به سوی اهداف ارزشمند سازمان است، مدیریت، درجایی صدق می‌کند که فعالیت‌های هدفدار در آنجا حاکم باشد و به صورت مستمر و آگاهانه انجام گیرد و در راستای اهداف سازمانی باشد (رضاییان ۱۳۸۳: ۷).

توسعه، مقوله‌ای چند بعدی، کیفی و جامع می‌باشد (اسدپور ۱۳۸۷: ۵) و منظور از آن، فرآیندی است که انسان‌ها با توجه به خواسته‌ها و نیازهایشان و امکاناتی که در جامعه و محیط زیست به صورت بالقوه و بالفعل موجود است، می‌خواهند تعادلی را بین اینها ایجاد کنند (سیف‌اللهی ۱۳۹۰: ۵۵).

فرهنگ، مجموعه نگرش‌ها، آداب، اعتقادات قلبی، سنت‌ها، باورها و هر گونه عادات و توانایی‌هایی است که به دست می‌آید (آشوری ۱۳۵۷: ۷۱). امام خمینی نیز فرهنگ را یک کارخانه آدم‌سازی می‌داند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۴۲۷).

مدیر فرهنگی که بتواند در راستای توسعه و پیشرفت جامعه حرکت کند، کسی است که، علاوه بر اینکه واجد دانش‌های لازم در حوزه مدیریتی خود می‌باشد، بایستی از توان و استعداد لازم برای اداره کردن سازمان و مجموعه کاری خویش نیز، برخوردار باشد، که اصطلاحاً به آن رفتار سازمانی می‌گویند (فیضی ۱۳۸۳: ۴۴) و همچنین باید آگاهی و اطلاعات لازم و کافی از پیشینه فرهنگ دینی و ملی خود داشته باشد و با حوادث و وقایع گذشته و سرگذشت‌های عبرت‌آموز و تلخ و شیرین آن و نیز چهره‌ها و شخصیت‌های اسلامی و نیز آداب، سنن، قواعد و قوانین اسلامی، آشنا باشد و مجموعه‌ای از شایستگی‌ها و مهارت‌هایی که در خور شرایط فرهنگی هر جامعه‌ای می‌باشد، برخوردار باشد و همواره در حفظ فرهنگ اصیل اسلامی کوشا باشد و به خوبی و با درایت لازم بداند که چه چیزی را باید به مخاطب خویش منتقل کند و از ابعاد و زوایای آن اطلاع کافی داشته باشد.

در صدر اسلام، هنگامی که مبلغان و مروجان فرهنگ اسلامی، در صدد تعلیم و انتقال فرهنگ اسلامی بر می‌آمدند، وضع اسف‌بار فرهنگی گذشته و حال خویش را بیان می‌کردند و توضیح می‌دادند که چگونه اسلام، طریق نجاتی برای آنها بوده است و چگونه جاهلیت، خرافه پرستی، توحش و اموری از این دست را از فرهنگ آنان پاک کرده است و فرهنگی نو با محوریت توحید، یکتا پرستی، تأکید بر عقلانیت، اندیشه و انسان دوستی را به آنان هدیه کرده است و همین

امر باعث می‌شد که در امر فرهنگ سازی موفق باشند و با فرهنگ صحیح اسلامی، پیشرفت و توسعه را در جامعه ایجاد کنند.

در جوامع اسلامی، کسانی صلاحیت تصدی مدیریت‌های فرهنگی را دارند که به کارآمدی فرهنگ اسلامی، اعتقاد و باور کامل داشته باشند و این اعتقاد، با علم و آگاهی کافی از تأثیر و کارآمدی این فرهنگ و ویژگی‌های منحصر به فرد آن، امکان‌پذیر است.

کسانی که در برابر پیشرفت‌های صنعتی غرب، مبهوت و حیرت زده شده و از ارزشمندی فرهنگ اسلامی و ایرانی خود غافل گشته‌اند و در درون خود، باور عمیق به کارآمدی فرهنگ اسلامی و ایرانی ندارند، نمی‌توانند عهده دار مدیریت‌های فرهنگی در کشور اسلامی ایران شوند. کار فرهنگی و تربیتی، در حقیقت مشابه یک کار طبیبانه و درمانگرانه است و همچنان که طبیب، باید بیمار خود را بشناسد، تا داروی مناسبی را برای او تجویز کند، یک مدیر فرهنگی نیز باید شناخت کافی از مخاطبان خود داشته باشد.

کار فرهنگی، یک کار انسانی، آن هم در محدوده وسیعی از انسان‌ها، با نیازها و شخصیت‌های متفاوت و گوناگون است، کسی که بدون علم و آگاهی از مخاطبان خود، پای به عرصه‌های فرهنگی می‌گذارد، مانند طبیبی است که بدون شناخت از بیماران خویش، مشتی دارو، برایشان تجویز می‌کند که چه بسا به مرگ آنها بیانجامد.

هدف نهایی مدیریت فرهنگی در هر جامعه‌ای، دستیابی به توسعه است و با فرهنگ صحیح نه تنها می‌توان به توسعه دست یافت، بلکه فرهنگ، راه رسیدن به بنیاد هویتی و معنایی تمامی آرزوها و اهداف زندگی نیز می‌باشد و نهایتاً تربیت یک ملت به این است که فرهنگ صحیح داشته باشد (امام خمینی ۱۳۸۵: ۸: ۸۸) و این مدیریت با توجه به ارزش‌های معنوی و جهان بینی جوامع مختلف، تغییر می‌کند و هر جامعه‌ای با توجه به دیدگاه‌های ارزشی خود، سعی می‌کند فرهنگی را ایجاد کند که بتواند در راستای اهداف ارزشی خودش باشد.

در صدر اسلام، بنیانگذار جهان اسلام، حضرت محمد<sup>(ص)</sup>، فرهنگ تعاون، همکاری، همدلی، قانون‌مداری، استقلال، دفاع از مظلوم، صداقت، امانت داری، وحدت و ... را پایه گذاری کرد و به همه جهانیان ثابت کرد که اسلام دارای مدیریت فرهنگی قوی و اصولی است و با این مدیریت فرهنگی، می‌توان بنای توسعه و پیشرفت را در جوامع مختلف و کل جهان، پایه گذاری کرد.

بعد از پیامبر خاتم، جانشین بر حق ایشان، حضرت علی<sup>(ع)</sup> نخستین مسلمانی است که با فرهنگ غنی اسلام زیست و با این فرهنگ غنی، پایه‌های ارتقا، پیشرفت و توسعه را پایه گذاری کرد. بعد از ایشان ائمه<sup>(ع)</sup> همان مسیر را ادامه دادند تا در دوران معاصر ما، امام خمینی معمار و بنیانگذار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، با توجه به نقش کلیدی مدیریت فرهنگی در جامعه، سخنان ارزشمند و گرانمایی را در این ارتباط بیان فرمودند که منبع بسیار غنی و ارزشمندی برای مدیریت فرهنگی صحیح نظام مقدس جمهوری اسلامی و متناسب با ارزش‌های دینی است، که برای ارتقا و پیشرفت جامعه بسیار کارآمد می‌باشد، ایشان نه تنها توسعه و تربیت یک ملت را، بلکه شناساندن اسلام و دستورات ناب آن را نیز به جهانیان در گرو فرهنگ صحیح می‌داند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱: ۳۹۰). ولی متأسفانه کار تحقیقی و پژوهشی ارزشمندی در این باره انجام نگرفته است که ابعاد نظرات ایشان به صورت مدون و تحلیلی و متناسب با شرایط روز جمع آوری گردد و به صورت یک کار تحقیقی و کاربردی به جامعه ارائه شده باشد که با اجرایی کردن این کار پژوهشی بتوان با یک مدیریت فرهنگی قوی، شرایط ارتقا، توسعه و پیشرفت جامعه اسلامی را فراهم نمود و یک الگوی عملی و زنده به کل جهانیان ارائه داد که آنها هم بتوانند با استفاده از این الگو، پایه‌های رشد، ترقی و پیشرفت را با یک مدیریت قوی فرهنگی، در جوامع خود، پایه‌گذاری کنند و ما در این مقاله برآنیم که این کار پژوهشی و کاربردی را به صورت مدون و نظام یافته به جامعه اسلامی ارائه کنیم.

## مروری بر ادبیات پژوهش

### تعریف لغوی و اصطلاحی مدیریت فرهنگی

اصطلاح «مدیریت فرهنگی» مرکب از دو واژه «مدیریت» و «فرهنگ» است و فهم دقیق معنای این اصطلاح در گرو فهم معنای دو واژه یاد شده است.

### معنای لغوی

مدیریت در لغت، مصدر جعلی است که از ریشه دور اخذ شده است، طبق قواعد، واو ماقبل مفتوح قلب به الف شده و به صورت «دار» در می‌آید، که به معنای خانه، منزل، محل دوران و رفت و آمد می‌باشد، شکل متعدی این کلمه «ادار» است که به معنای به حرکت درآوردن و گرداندن است و

از این رو «مدیر» که اسم فاعل است به معنای «به گردش درآورنده امور می‌باشد»، با این توضیح معلوم می‌شود که «مدیریت» به معنای اداره کردن است (حاجی ده آبادی ۱۳۸۲: ۱۳).

### معنای اصطلاحی

مراد از معنای اصطلاحی، معنایی است که صاحب نظران و متخصصان علم و دانش مدیریت، از این واژه ارائه کرده‌اند، هر یک از صاحب نظران و دانشمندان علم مدیریت برحسب نوع دیدگاه، بینش، فلسفه و نظام آموزشی و اعتقادی مورد قبول خویش، تعریف‌هایی را از این واژه ارائه کرده‌اند، تنوع و تکثر تعاریف، به اندازه‌ای است که ادعای عدم دستیابی به یک تعریف مورد وفاق و اجماعی، چندان گزاف نمی‌باشد.

ولی به طور کلی می‌توان گفت که مدیریت، فعالیتی منظم در جهت به کارگیری مؤثر از نیروهای انسانی و مادی در برنامه ریزی، سازماندهی و بسیج آنها و هدایت آنها به سوی اهداف ارزشی سازمان می‌باشد (رضاییان ۱۳۸۳: ۷).

### معنای لغوی فرهنگ

واژه «فرهنگ» در فارسی، معادل کلمه ثقالة در عربی و culture در زبان انگلیسی است. در لغت و زبان فارسی نیز فرهنگ به معنای سنگینی، وقار، قصد، اراده، آهنگ کاری را کردن، قوم، قبیله، فوج و سپاه می‌باشد، اما به شکل مرکب آن در معانی دیگری همچون دانش و فرزاندگی، خرد، عقل سلیم، تدبیر و سنجیدگی نیز آمده است (دهخدا ۱۳۷۳: ج ۱۲: ۱۵۵).

### معنای اصطلاحی

فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای است که دربرگیرنده دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری است که انسان به عنوان عنصری از جامعه به دست می‌آورد، همچنین توانایی‌ها و عادت‌هایی است که انسان‌ها به عنوان عضوی از جامعه کسب می‌کنند (برنارد ۱۳۶۸: ۲۰).

### اهمیت مدیریت

یکی از دانش‌های بی‌شمار عصر حاضر که هدف نهایی آن دستیابی به پیشرفت است و همه دولت‌ها به آن توجه دارند، علم مدیریت است که حیطة وسیعی یافته و مانند همه علوم دیگر قابل تعلیم و تعلم است، این دانش، دارای زبانی ویژه و فرهنگی مستقل است که برای به‌دست آوردن آن باید به فرهنگ و زبان آن آشنایی لازم پیدا کرد، در غیر این صورت، انتظار بهره‌مندی از این علم نمی‌رود و باید مدیریت سنتی را به مدیریت مدرن امروز تبدیل کرد، بویژه برای مدیران مراکز فرهنگی، که داعیة رهبری جهان اسلام را پس از قرن‌ها و با زحمات زیادی به لطف و خواست خداوند متعال پیدا کرده‌اند، مدیریت فرهنگی، اگر درست و بر اساس موازین اعتقادی، عقلی، علمی و پژوهش محور باشد، زیر بنای توسعه در جامعه می‌شود و پایه‌های پیشرفت، تعالی و تکامل را در جامعه ایجاد می‌کند.

نیاز به علم مدیریت برای تنظیم و پیشبرد آرمان‌های مقدس اسلام و سنت رسول الله (ص)، ائمه اطهار (ع) و رهنمودهای معمار و پایه گذار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی کمتر از نیاز به علوم دیگر نیست، بویژه در زمانی که همه نیروهای اسلامی و علاقمند ما برای یک جهش بزرگ بسیج شده‌اند (ملک مدنی ۱۳۵۶: ۵) در این زمان، باید یک الگوی بومی توسعه فرهنگی که برخاسته از نظام ارزشی دینی ما باشد، طراحی گردد.

از طرف دیگر رویارویی کشور ما با استکبار جهانی، ایجاب می‌کند، هر چه سریع‌تر به دانش‌های جدید دست یابیم و به ارزش‌های بسیار عمیق و پر محتوای اسلام تمسک جسته و آن دو را در هم آمیخته و با توجه به رعایت تمام شئون و دستورالعمل‌های شریعت و مدیریت اسلامی، بتوانیم ترفندها و نیرنگ‌های شیطانی را که برای شکست ما طرح می‌کنند، خنثی کنیم، در چنین شرایطی، مدیران باید برای پشتیبانی دقیق سیاست‌ها و ترفندهای اهریمنان و راه‌های مقابله با آنها آمادگی داشته باشند (عسکریان ۱۳۶۶: ۶۶).

مسأله اساسی این است که باید راهکاری را دریابیم که بتوانیم با حفظ سنت‌های ارزشمند خود، به سمت پیشرفت‌های همه جانبه حرکت کنیم و جامعه‌ای را پایه گذاری کنیم که با ارزش‌های دینی و میراث‌های فرهنگی کشورمان، همخوانی داشته باشد و خود را از وابستگی‌های بی‌بخشیم، وابستگی افکار، بالاترین وابستگی است که متأسفانه امروز افکار خیلی از افراد جامعه ما وابسته به غرب می‌باشد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۰: ۳۵۷).

اهمیت مدیریت فرهنگی در منابع علمی بر هیچ کس پوشیده نیست، نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که در چهار دانشگاه آزاد اسلامی در شمال خراسان ۷۱٪ دانشجویان و ۹۳٪ کارکنان و ۶۹٪ اعضای هیأت علمی از نحوه مدیریت‌هایی که ارزشی بودند و شئون اسلامی در این دانشگاه‌ها بیشتر رعایت می‌شده است، رضایت دارند، در همین راستا، هم تولید علم و هم شرکت اعضای هیأت علمی این دانشگاه‌ها در همایش‌های مختلف، بیشتر بوده است (مجموعه مقالات نخستین کنگره بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی ۱۳۸۲).<sup>۱</sup>

البته مدیریت به مفهوم امروزی، خاص قرون اخیر است، توسعه صنایع، پیدایش و گسترش سازمان‌های مختلف، مسائلی را به وجود آورد که حل و فصل آنها به مدیر علمی و جهان بینی مدیریت نیاز داشت، بر همین مبنا، امروزه تحقیقات علمی در زمینه‌های مدیریت، بخش وسیعی از تحقیقات و مطالعات اجتماعی را به خود اختصاص داده است و دانشمندان و پژوهشگران دانش مدیریت در سراسر جهان نظریه‌های گوناگونی را با تکیه بر مشرب فکری خود پیشنهاد و ارائه کرده‌اند.

همچنین در کتاب آسمانی ما قرآن کریم و سیره نبوی، اصول کلی مدیریت و رهبری، مطرح شده است که نحوه هدایت و سرپرستی را ترسیم و مشخص می‌کند. امروزه، تقریباً در همه نظام‌ها، نیاز به مدیریت و رهبری در همه زمینه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی و بخصوص مراکز فرهنگی محسوس است. امام خمینی، مدیریت فرهنگی را زمانی موفق می‌داند که سنت جامعه با پیشرفت‌های جدید علم و تکنولوژی هماهنگ شود و فرهنگی برای مردم ایجاد شود که باعث رهایی مردم از استکبار گردد و معتقدند برای رسیدن به این فرهنگ، باید اول افکارمان را مستقل کنیم، یعنی از آزادی فکری آغاز کنیم بدون اینکه متمایل به طرفی باشیم فکر کنیم، تا برداشت‌های علمی مان آزاد باشد و بدانیم که یک فرهنگ غنی داریم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۱۸۰).

برای اینکه اهمیت مدیریت فرهنگی، واضح و روشن گردد، مصادیقی از مدیریت‌های فرهنگی را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. این نظر سنجی به عنوان یک کار عملی توسط ۶ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان در زمستان ۱۳۸۲ از دانشگاه‌های آزاد اسلامی واحدهای بجنورد، شیروان، قوچان و دانشکده الهیات واحد مشهد انجام گرفته است.

## مصادیق مدیریت فرهنگی

### تجلی مدیریت فرهنگی در سیره پیامبر اکرم (ص)

اصول و شیوه‌های حکومت نبی اکرم حضرت محمد (ص) به عنوان یکی از مصادیق بارز مدیریت فرهنگی و به عنوان اساسی‌ترین اصول کاربردی مدیران نظام اسلامی ما محسوب می‌شود، اندیشه دینی که از زبان پیامبر (ص) مطرح شد، افراد را فراتر از محدودیت‌های قومی تربیت کرد. آن حضرت در دوران سیزده سال درگیری با نظام جاهلی، به جای این که از راه غلبه و قهر اقدام کند، از طریق ایجاد روحیه اخوت میان مسلمانان، همدلی به وجود آورد و به مرور زمان بر مبانی اشتراک در جهان بینی توحیدی و توافق بر سر رفتارهای اخلاقی، پایه‌های نظام نوین اجتماعی دینی را پی ریخت.

اساسی‌ترین اقدام در جهت شکل‌گیری امت اسلامی و تثبیت حکومت، هجرت به مدینه بود که با پشتوانه آیات نورانی قرآن به عنوان تکلیف شرعی مورد تأیید قرار گرفت (نساء: ۹۸-۹۷؛ انفال: ۷۲).

از این پس، مهم‌ترین آموزه‌ها در جهت ولایت مطلق، مطرح و رسول اکرم (ص) به عنوان مسئول اعمال این ولایت و حاکمیت الهی و به عنوان مدیریت جامعه اسلامی معرفی شدند (جعفریان ۱۳۷۲: ۱۸).

پیامبر (ص) در پرتو تعالیم اسلام، نظام اجتماعی و حکومتی خود را بر پایه تعاون و همکاری دولت و ملت فرهنگ‌سازی کرد، به عبارت دیگر مطرح کردن قانون و قدرت اجرایی در کنار اخلاق، فرهنگ جامعه اسلامی شد (حدید: ۱۵).

پیامبر (ص) بر اساس آموزه‌های الهی، به مسلمانان آموخت که علاوه بر دفاع از جان، مال، ناموس، میهن، آزادی، استقلال و دین خویش، وظیفه دارند به دفاع از ستم‌زدگانی برخیزند که در سایر کشورها به تنهایی از عهده دفاع و یا مقابله با متجاوز بر نمی‌آیند و از مسلمانان درخواست کمک می‌کنند و حمایت از مظلومین عالم در جامعه اسلامی فرهنگ‌سازی شد (ابی‌الفداء ۱۳۷۵ ج ۲: ۱۴۶-۱۴۳).

این مدیر الهی، از آغاز تا پایان عمرش میان رفتار و گفتارش تضادی دیده نشد و دشمنانش نیز او را راستگو و امین می‌شناختند، همواره با قاطعیت به آنچه گفت و انجام داد، پای فشرد و فرهنگ صداقت را پایه‌ریزی کرد.



آن حضرت در اولین اقدام اساسی خود در جهت تثبیت حکومت الهی و تأمین‌کننده مصالح ملی امت اسلامی منشور یگانگی خود را که مشتمل بر سه بخش بود (۱. روابط مسلمانان؛ ۲. عدم تعرض بین مسلمانان و یهود؛ ۳. وحدت مسلمانان)، فرهنگ سازی کرد، که این منشور با توجه به اینکه در پانزده قرن قبل منتشر شد، امروزه نیز برای از میان بردن مشکلات اجتماعی، حقوقی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مسلمانان و حتی دیگر جوامع، سودمند می‌باشد و به‌راستی از مصادیق بسیار ارزشمند مدیریت الهی در همه زمینه‌های زندگی می‌باشد که امنیت عمومی و آسایش روانی مسلمانان را تضمین می‌کند و همچنین، ترسیم خط سیر حرکت‌های سیاسی و اجتماعی مسلمانان و تبیین مواضع اصولی و مترقی اسلام در برخورد با ستمگران و همچنین با هم پیمانان می‌باشد و بازگو کننده فرهنگ غنی اسلامی است (سبحانی تبریزی ۱۳۸۹ ج ۱: ۳۸۵-۳۷۷).

رویه حکومت آن حضرت در ایجاد قسط و بسط عدالت، ملاحظت و بر پایه منافع عمومی اعلام شد (حدید: ۲۵؛ آل عمران: ۱۵۹) و از اصل مشورت و مشارکت دادن مردم در امور سیاسی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی بهره گرفت (شوری: ۳۸).

بر همین اساس بود که رسول خدا<sup>(ص)</sup> در اتخاذ نقشه‌های نظامی، تدابیر سیاسی و ... با دیگران مشورت می‌کرد، در غزوه بدر به توجیه متخصصان امر دفاع، تغییر موضع داد (طبری ۱۳۶۲ ج ۳: ۱۰۱۷) و در احد رأی جوانان را که اکثریت بود، بر رأی خود و دیگران ترجیح داد (طبری ۱۳۶۲ ج ۳: ۹۶۰) و در محاصره احزاب، پیشنهاد سلمان فارسی، در حفر خندق و شیوه تدافعی را به کار بست (طبری ۱۳۶۲ ج ۳: ۱۰۶۸).

این موارد و هزاران مورد دیگر از مدیریت بسیار مترقی اسلام، که در این موجز نمی‌گنجد، همه گواه بر این ادعاست که اسلام دارای مدیریت فرهنگی قوی و اصولی است و با این مدیریت فرهنگی می‌توان بنای توسعه و تعالی را در جامعه ایجاد کرد، شایسته است همه مدیران و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، از این شیوه بهره لازم را ببرند، در اداره کشور و در تعامل با دیگر ملل از این شیوه‌ها و فرهنگ بسیار غنی اسلامی استفاده نمایند و ارتقا، پیشرفت و توسعه را در جوامع اسلامی پایه گذاری کنند.

تبیین مدیریت فرهنگی در سیره امام علی<sup>(ع)</sup>

هر چند امام<sup>(ع)</sup> نتوانست در خلافت چهار سال و نه ماهه خود، اوضاع به هم ریخته جامعه اسلامی را به طور کامل چون زمان پیامبر<sup>(ص)</sup> بسازد، ولی انحرافات که می‌رفت چهره اسلام را نزد انسان‌های آزاده جهان، مخدوش و تنفر آور کند، زدود و دل‌های مشتاق مدینه فاضله رسول الله<sup>(ص)</sup> را امیدوار ساخت و با مدیریت فرهنگی خود زیر بنای توسعه و پیشرفت را در جامعه، ایجاد کرد. امام علی<sup>(ع)</sup> در کنار توصیه به لزوم رعایت آزادی، حس آزادیخواهی و آزادگی، وجدان بشری و شخصیت انسانی را در طبقات محروم و زیر دست بیدار و آنها را به صیانت از آزادی تشویق می‌کرد (انصاریان ۱۳۵۷: ۵۴۳-۵۵۷).

از نظر امام علی<sup>(ع)</sup> کلمه آزادی، صرفاً معنای مقابل بردگی نیست بلکه مقصود، آزادگی و شخصیت در برابر ضعف و زبونی است، به اعتقاد امام علی<sup>(ع)</sup> انجام وظایف و تکالیف اجتماعی، اگر ناشی از حس مسئولیت باشد و این حس مسئولیت هم، منبعث از آزادی و استقلال کامل در اراده و عمل باشد، پایه و اساس سعادت اجتماع را تشکیل می‌دهد (شهیدی ۱۳۸۰: ۳۱: ۲۹۵). رعایت حقوق افراد و جامعه و مراقبت بر عدالت در توزیع غنایم و ثروت ملی، دیباچه حکومت و مدیریت امام<sup>(ع)</sup> بود.

او به مأموران دریافت مالیات دستور می‌داد: وقتی بر مردم وارد شدید، سلام کنید و تحیت بفرستید و با نهایت ملایمت بگویید: بندگان خدا، ولی خدا، ما را فرستاد تا اگر در اموال شما حقی برای خدا یافت می‌شود، به ما تسلیم کنید، سپس از یکایک بپرسید: آیا نزد تو حقی برای خدا هست؟ اگر گفت نه، رهاش کنید، و اگر گفت آری، بدون اجازه‌اش، حیوان بارکش او را نگیرید و اگر خواست غله را با شما قسمت کند، وی را در انتخاب قسمتی که میل دارد آزاد بگذارید... زنهاری کسی را تهدید نکنید و نترسانید (شهیدی ۱۳۸۰: ۲۵: ۷۲۴-۷۲۳).

امام علی<sup>(ع)</sup> با این کردار، چهره جذاب و نیک پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> را به مردم، به ویژه نسل جدید، نشان داد.

پرهیز از تجمل گرایی و حالت استکباری، از دیگر شیوه‌های مدیریت امام علی<sup>(ع)</sup> بود، که در برابر شوکت کسرابی و قیصری معاویه، چون تهیدستان و بینوایان زندگی می‌کرد، در روزهای گرم بیرون از دارالاماره در سایه می‌نشست، مبادا مراجعه‌کننده‌ای بیاید و در آن هوای گرم به او دسترسی پیدا نکند.

امام علی<sup>(ع)</sup> در نامه‌ای به والی خود در حجاز نوشت: در هر بامداد و شام ساعتی برای رسیدگی به امور مردم معین کن، خود پرسش‌های آنها را پاسخ ده و نادان و گمراهشان را متوجه ساز، با دانشمندان در تماس باش، جز زیانت واسطه‌ای بین خود و مردم قرار مده و جز چهره‌ات حاجبی مپذیر (انصاریان ۱۳۵۷: ۷۰۲-۶۹۴).

به مالک اشتر نوشت: «برای ارباب رجوع، وقتی را در نظر بگیر و خود به گرفتاری‌های آنان رسیدگی کن» (شهیدی ۱۳۸۰: ۵۱). از دیگر خصایص و ویژگی مدیریت امام علی<sup>(ع)</sup> در حکومت، پرهیز از حزب‌گرایی و خاندان‌محوری بود، او هرگز دوستان و خویشاوندان و خاندان خود را بر دیگران مقدم نمی‌داشت و حاضر نبود هیچ‌یک از یاران و بستگانش از عنوان خلافت سوء استفاده کند، اگر برای خرید به بازار می‌رفت، می‌کوشید کسی را بیابد که او را نشناسد، با آن همه گرفتاری‌های طاقت‌فرسا، ذخایر گرانبهایی از معارف الهی و علوم اسلامی در میان مردم به یادگار نهاد و چه زیبا امام خمینی در این باره می‌گوید: «ما مفتخریم که کتاب نهج‌البلاغه که بعد از قرآن بزرگ‌ترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب‌رهایی بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است، از امام معصوم ما است» (امام خمینی ۱۳۸۹: ۹؛ امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۳۹۶).

### تبیین مدیریت فرهنگی در سیره امام خمینی

امام خمینی فرهنگ را به عنوان عنصر اصلی پیشرفت در هر جامعه‌ای قلمداد می‌کند و هویت هر جامعه‌ای را برخاسته از فرهنگ آن جامعه به شمار می‌آورد و رهایی از وابستگی را در رهایی فکری می‌داند و اینکه اگر ما فکر کنیم که فرهنگی غنی داریم، در مسائل اقتصادی هم غنی شده و وابسته به شرق و غرب نخواهیم شد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۰: ۵۳) در واقع ایشان فرهنگ اسلامی شرق را مترقی‌ترین فرهنگ می‌داند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۰: ۳۸۵). امام خمینی در این ارتباط می‌گوید:

فرهنگ مبدأ همه خوشبختیها و بدبختیهای ملت است. اگر فرهنگ ناصالح شد، این جوانهایی که تربیت می‌شوند به این تربیتهای فرهنگ ناصالح، اینها در آتیه فساد ایجاد می‌کنند. فرهنگ استعماری، جوان استعماری تحویل مملکت می‌دهد. فرهنگی که با نقشه دیگران درست می‌شود و اجانب برای ما نقشه‌کشی می‌کنند و با صورت فرهنگ می‌خواهند تحویل جامعه ما بدهند، این فرهنگ استعماری و انگلی است. ... اما وقتی فرهنگ

فاسد شد، جوانهای ما که زیربنای تأسیس همه چیز هستند از دست ما می‌روند و انگل بار می‌آیند، غریزده بار می‌آیند... اگر فرهنگ فرهنگ صحیح باشد جوانهای ما صحیح بار می‌آیند. اگر فرهنگ فرهنگ حق باشد، فرهنگ الهی باشد، فرهنگی باشد که برای منفعت اهل ملت، برای منفعت مسلمین باشد، این افرادی که می‌بینید که الآن سرکار هستند، اینها از آنها بیرون نمی‌آید (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳: ۳۰۶).

ایشان اسلام را مکتبی انسان ساز می‌دانند که برای اینکه به انسان‌ها رشدی الهی و عقلانی بدهد نازل شده است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۹). همچنین معتقدند که ماباید در راستای انسان الهی و عقلانی شدن فعالیت فرهنگی مثبتی را انجام دهیم فرهنگی که خودی باشد و فرهنگ خودی را باید حاکم کنیم که این خودش یک تحول می‌شود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱: ۴۰). تحول از خوف به شجاعت، و تحول از توجه به دنیا به ایمان به خدا، منشأ همه پیروزی‌ها همین یک کلمه است. ما متحول بشویم به یک موجودی اسلامی - انسانی با ایمانی که خدای تبارک و تعالی از ما خواسته است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۴۰).

امام خمینی معتقد است که فرهنگ زیر بنای توسعه است، در نتیجه اگر می‌خواهیم در جامعه‌ای به پیشرفت و تعالی دست یابیم، باید یک سری ارزش‌ها، فرهنگ سازی شوند مانند خودشناسی و بازگشت به خویشتن، که بدانیم مسائل فرهنگیمان، یک مسائل پیشرفته است و از سایر جاها جلوتر است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۴-۵).

اولین چیزی که بر ملت و دانشگاه‌ها لازم است این است که فکر ایرانی اسلامی فرهنگ سازی شود و از وابستگی فرهنگی و فکری رهایی یابیم و اگر فکر ما فرهنگ ما مستقل شود قطعاً در اقتصاد هم مستقل می‌شویم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۰: ۵۳). ایشان معتقد است باید اهمیت به علم و دانش در جامعه فرهنگ سازی شود باید مخترعان جامعه، علوم مختلف را با اخلاقیات به صورت یک فرهنگ، پایه گذاری کنند، باید در ارتباط با علم و دانش، فرهنگ تقدم تزکیه بر تعلیم، یادگیری و علم آموزی مستمر، دانش و تعهد، علم توأم با عمل، تشویق متخصصان، اصلاح مراکز علمی، به کارگیری دانشمندان و نفی مدرک گرایی در جامعه ایجاد شود و زمانی که این فرهنگ در جامعه‌ای ایجاد شود، قطعاً پیشرفت و توسعه هم ایجاد خواهد شد.

مسئله دیگری که امام خیلی به فرهنگ سازی آن اهتمام دارد، این است که توسعه اقتصادی، حتماً باید در مسائل فرهنگی مورد توجه قرار گیرد، ایشان زیر بنا بودن اقتصاد را رد می‌کند و قبول

ندارد ولی توسعه اقتصادی را به عنوان یک وسیله و ابزار برای رشد و تعالی جامعه مورد تأکید قرار می‌دهد و در همین راستا قائل به این مطلب است که باید یک سری مسائل در ارتباط با اقتصاد، فرهنگ سازی شود تا جامعه بتواند به رشد و پیشرفت برسد، از جمله: فرهنگ توسعه عدالت اقتصادی، توسعه اقتصاد اسلامی، خودکفایی اقتصادی، صنعتی شدن و توسعه کشاورزی از مواردی هستند که مورد تأکید ایشان می‌باشد و به جد معتقد به این مسأله می‌باشد که اگر به این مسائل توجه شود، می‌توان به استقلال و آزادی هم امیدوار بود، ولی اگر در ارتباط با اقتصاد، این مطالب، فرهنگ سازی نشود، وابستگی اقتصادی باعث می‌شود که نظام‌های استعماری، استقلال و آزادی کشورها را به خطر اندازند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۴۲۴-۴۲۳).

همچنین ایشان معتقد است که باید الگوی فرهنگی بومی و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و منطبق با مسائل روز، ارائه شود، تا بشود در راستای توسعه و پیشرفت حرکت کنیم و برنامه‌هایی را برای رسیدن به این الگو ارائه می‌دهد، از جمله: مصرف معقول، تنظیم روابط اقتصاد اسلامی، لزوم معرفی اقتصاد اسلامی، جایگزینی اقتصاد اسلامی با اقتصاد سرمایه‌داری و اشتراکی، گسترش قرض الحسنه و بانکداری اسلامی و جایگزین‌های مناسب برای فروش نفت (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۴۶۹-۴۶۸) و در همین راستا بر سرمایه‌گذاری خصوصی تأکید دارد؛ ولی قائل به این مطلب می‌باشد که سرمایه‌گذاری خصوصی باید از راه مشروع باشد و باید فرهنگ احترام‌گذاری به سرمایه‌های مشروع در جامعه، ایجاد گردد تا در این ارتباط، امنیت ایجاد گردد و سرمایه‌گذاری‌های خصوصی در راستای توسعه و پیشرفت مورد استفاده قرار گیرند.

فرهنگ سازی در راستای مسائل سیاسی و الگوسازی، از دغدغه‌های مهم ایشان بود و در این ارتباط فرهنگ سازی دموکراسی اسلامی را مدنظر داشت که برخاسته از یکسری برنامه‌ها می‌باشد که این برنامه‌ها، می‌توانند فرهنگ دموکراسی اسلامی را در جامعه پایه‌گذاری کنند و با این فرهنگ باعث ارتقا و پیشرفت جامعه شوند، از جمله: مشارکت سیاسی مردم در چارچوب موازین اسلامی، رد کردن دموکراسی شرق و غرب، ایجاد جمهوری اسلامی، دموکراسی مبتنی بر حقوق بشر، رشد سیاسی مردم، تساوی کلیه انسان‌ها در جامعه اسلامی، عدم مداخله نظامیان در سیاست، آزادی بیان، عقیده، قلم، مطبوعات و احزاب سیاسی به معنی واقعی کلمه، ضرورت مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود، که این مطالب مورد تأکید ایشان بود و با برنامه‌های مختلفی سعی بر فرهنگ سازی آن داشت از جمله: تبعیت از قانون، حاکمیت قانون اسلام،

جلوگیری از هرج و مرج، عدم قبول توصیه، قضاوت صحیح، که اگر تمامی اینها در جامعه‌ای فرهنگ سازی شود و تمامی شهروندان در این ارتباط حرکت کنند، قطعاً پیشرفت و تعالی در آن جامعه ایجاد خواهد شد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۰: ۴۱۷؛ ۱۳۶۹: ۴۵).

فرهنگ‌سازی در ارتباط با توسعه امنیت در جامعه نیز از جمله مواردی است که مورد تأکید ایشان می‌باشد که باید تمامیت ارضی، آرامش برای اصلاحات، آرامش برای بازسازی، همکاری امنیتی با سایر کشورها و امنیت سرمایه گذاری فرهنگ سازی شود و با این فرهنگ زیبا در راستای امنیت جامعه می‌توان به رشد، تعالی و پیشرفت در جامعه دست یافت (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۰: ۲۷؛ ۱۳۶۹: ۳۲، ۲۸).

برای ارتباط با دیگر کشورها، فرهنگی که مدنظر ایشان بود این بود که باید روابط براساس احترام متقابل باشد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۲۲۴-۲۲۳)، مصالح کشور مدنظر گرفته شود و سیاست مستقل و بی طرفی (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۴۸۸، ۴۲۳)، فرهنگ سازی شود که این باعث رشد و تعالی کشور می‌شود و در نهایت ایشان معتقد به این مسئله بود که فرهنگ مقبولیت زمامداری از سوی مردم، تفاهم بین دولت و ملت (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱: ۱۲۲) و عمل به حقوق متقابل ملت و دولت باید در جامعه پذیرفته شود و اگر این فرهنگ در جامعه جایگاه خودش را پیدا کند شاهد پیشرفت و تعالی خواهیم بود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۲۲۴-۲۲۳). ایشان معتقد بود که باید مدت‌ها زحمت کشید و تلاش کرد تا خود را بیابیم و روی پای خود بایستیم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۱۷۱) و مستقل گردیم و باور کنیم که خودمان دارای فرهنگ بزرگ انسانی، با ارزش‌های اسلامی هستیم و در برنامه درازمدت، باید فرهنگ وابسته کشورمان را به فرهنگ مستقل و خودکفایی تبدیل کنیم (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱: ۴۴۶).

### علل عدم پیشرفت و توسعه بعضی از جوامع

مدیریت فرهنگی، مدیریتی است که مسئولیت و سرپرستی را به عنوان امانت الهی، می‌پذیرد و در جهت تحقق اهداف این رسالت، از هیچ نوع کوششی دریغ نمی‌کند و حرکت دهنده جامعه به سوی تقوی، عزت و سربلندی است، همچون کوه استوار است و در مقابل مشکلات گوناگون زمانه، سر خم نمی‌کند، و اگر در این باب، کندی انجام گیرد، جبران آن غیر ممکن و یا بسیار مشکل است، بنابراین پذیرفتن مدیریت فرهنگی، مستلزم چنین نگرشی است که اولاً توجه به

هویت ملی و مذهبی داشته باشد و دیگر اینکه از منابع غنی مکتب، کاملاً استفاده کرده و آنها را الگوی کار خود قرار دهد و از علوم جدید نیز غفلت نورزد.

**صفات و ویژگی‌های مدیر فرهنگی، ولی فقیه در آموزه‌های امام خمینی**  
چنانکه از سیره رسول اکرم<sup>(ص)</sup>، امیرمؤمنان علی<sup>(ع)</sup> و امام خمینی، به دست می‌آید مدیر فرهنگی، علاوه بر هماهنگی فعالیت‌ها، باید زمینه ساز رشد و تعالی افراد در جامعه (اعم از بعد معنوی و مادی) هم باشد، در ارتباط با چنین طرز تلقی از مدیریت، افرادی که عهده دار چنین وظایف و مسئولیت‌هایی می‌شوند، باید دارای صفات و ویژگی‌هایی باشند، تا بتوانند گرایش دل‌های همکاران و دیگر افراد جامعه را نسبت به هدف‌های عالی نظام، از این طریق، تأمین نمایند که با توجه به اهمیت موضوع به پاره‌ای از این صفات و ویژگی‌ها، ذیلاً اشاره می‌شود:

#### ۱) ایمان به خداوند متعال

نخستین و اساسی‌ترین ویژگی برای مدیر، با توجه به معیارهای اسلامی، ایمان قلبی و عملی او به خداوند تبارک و تعالی است. زیرا «معیار گرایش دل‌های مردم به یک نظام حکومتی، ایمان و عمل صالح مسئولان آن نظام و کارگزاران آن حکومت است و خداوند تنها در پرتو اعتقاد صحیح دولتمردان و رفتار شایسته خدمتگزاران است که محبت مردمی را پشتوانه آنان قرار می‌دهد» (جوادی آملی ۱۳۶۴: الف).

همچنین زمامدار و مدیر فرهنگی باید از کمال اعتقادی و اخلاقی برخوردار بوده و دامش آلوده به معاصی نباشد (امام خمینی ۱۳۶۹: ۴۹).

#### ۲) اعتقاد و تعهد در کار

اگر مدیر تمام کارهایش بر اساس تکلیف شرعی و برای رضای حق باشد، مسلماً خود را در خدمت به مردم، مسئول و متعهد می‌داند و همه کارهایش درست و اخلاقی می‌شود و همواره خود را در معرض بازخواست خدا می‌بیند و تمام اعمال خود را مطابق موازین و ارزش‌های الهی، تنظیم می‌نماید.

### ۳) تخصص و مهارت

مدیر فرهنگی، باید قانوندان، عادل، باکفایت و صلاحیت دار باشد خداوند در سوره نحل آیه ۹۰ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَ...» امام علی (ع) نیز فرمودند: «لا ينبغي ان يكون الوالی... الجاهل فیصلهم بجهله» (شهیدی ۱۳۸۰: خطبه ۱۳۱).

### ۴) انعطاف‌پذیری و پرهیز از خود محوری

توجه به نگرش‌ها و اندیشه‌های دیگران سبب می‌شود که انسان از گرایش به جزئی بودن و خودکامگی دور ماند، هر مدیری می‌تواند با پی بردن به اندیشه‌ها و پیشنهادهای همکارانش، بهره‌افراوانی به دست آورد، اما برای استفاده درست از نظریات دیگران، باید از توانایی‌های خاصی، برخوردار باشد.

### ۵) تقوی و اخلاص

یکی دیگر از صفات لازم برای مدیر اسلامی، داشتن تقوی است، مدیر مسلمان، اعمالش منحصرأ برای جلب رضای خداوند متعال و خشنودی اوست، از آنجا که در اسلام و حکومت اسلامی، پذیرفتن مسئولیت‌های اجتماعی، یک تکلیف و یک وظیفه می‌باشد، نه یک نقش بی‌جان و بی‌هدف، لذا در چنین برداشتی از مدیریت، جهت‌گیری‌های مدیر و فعالیت‌هایش برای جلب رضای یک شخص، گروه و یا مقام خاصی نیست، بلکه صرفاً برای خدا و به خاطر رضای خالق است.

### ۶) عفو، اغماض و بخشندگی

از دیگر ویژگی‌های مدیریت فرهنگی، گذشت و بخشش خطای دیگران است.

### ۷) قدرت تفکر و ابتکار

برای پیشرفت جامعه اسلامی، به تربیت مدیرانی با درایت و پخته و مبتکر نیازمندیم، مدیران، نباید در تصمیم‌گیری‌های خود، شتاب ورزند و بدون فکر، مشورت و سنجیدن جوانب کار، به اقدامی روی آورند.



**۸) خوشرفتاری، صبر و شکیبایی**

موارد بسیاری پیش می‌آید که بر اثر ناآشنایی مدیران فرهنگی، با مفاهیم اولیه علم مدیریت و نداشتن تجربه کافی، ناشکیبایی روی می‌دهد که زینده مدیران نیست.

**۹) سعی و جهد**

مدیر فرهنگی، همواره در کارهایش جدی است و در جهت تحقق اهداف سازمانی و رشد و تعالی افراد سازمان از هیچ کوششی فروگذار نمی‌نماید، او برای انجام کارهای مردم، زمان نمی‌شناسد و خود را در مجموعه ساعات مقرر اداری محبوس نمی‌کند بلکه از هر فرصتی برای رتق و فتق امور مسلمین و دیگر افرادی که به نوعی با سازمان همکاری دارند و برابر معیارهای اسلام حقی برای آنها در نظر گرفته شده است، استفاده می‌کند.

**۱۰) صداقت**

مدیر فرهنگی، فرد صادقی در برابر همکاران و مراجعان است که تجلی عینی او صداقت در رفتار، صداقت در گفتار و صداقت در کاربرد قوانین و مقرراتی است که برای اجرای آنها مأموریت یافته است.

**۱۱) متعادل بودن**

از دیگر ویژگی مدیر فرهنگی، تعادل اخلاقی است. مدیر فرهنگی، با تعادل اخلاقی، با از دست دادن مقام و منصب خود و یا کسب مقام و منزلت در جامعه، هیچگاه دچار تزلزل شخصیت نمی‌شود، بلکه خدمت به مردم را وظیفه، و ادای تکلیف می‌داند چنانکه امام خمینی بارها چنین سفارشی را به کارگزاران نظام داشتند.

**۱۲) وفای به عهد و پیمان‌ها**

از دیگر خصایص و نمودهای عینی یک مدیر مسلمان و پایبند به اصول و ارزش‌های اسلامی وفای به عهد و پیمان‌هایی است که متعهد به انجام آن می‌شود که در غیر این صورت ارزش و اعتبار او در محیط سازمانی خدشه دار شده و موجب بی‌اعتمادی همکاران نسبت به او می‌گردد.

## نتیجه‌گیری

۱) جمهوری اسلامی ایران برای پیمودن راه توسعه و جبران عقب ماندگی‌های سالیان دراز، و در راستای عمل به رهنمودهای بنیانگذار جمهوری اسلامی امام خمینی و مقام معظم رهبری و ایفاد نقش علمی، فرهنگی و در جهت ارتقای سطح دانش و تولید علم و کم کردن فاصله علمی در عرصه جهانی و در شأن نظام مقدس اسلامی، بیش از همیشه به مدیران لایق و صاحب‌نظر و متعهد نیاز دارد.

۲) مدیران فرهنگی باید، علاوه بر داشتن تقوا و تعهد لازم، دارای توانایی‌هایی در زمینه‌های مختلف فرهنگی با توجه به علم روز باشند.

۳) یافتن مهارت و تشخیص پیچیدگی‌های کار، مستلزم آموزش و تفکر و تجربه کاری است، از این رو بر کارگزاران و مسئولان عرصه‌های فرهنگی فرض است که بیش از این، در این بخش و تربیت و شناسایی مدیران لایق و توانا همت گمارند و موجبات ترقی و پیشرفت کشور اسلامی را فراهم آورند.

۴) با نگاهی سطحی و همچنین با توجه به آمار و ارقام منتشره، هر گاه در رأس عرصه‌های فرهنگی، افراد کاردان و مسئولیت پذیر و متعهد قرار داشته‌اند، شکوفایی علمی و ابتکارات و خلاقیت‌ها بیشتر بوده است و بر عکس در هر مرکز علمی که چنین افراد لایقی در رأس امور قرار نگرفته‌اند رکود، بی میلی و ... در آنجا سایه افکنده و روزمره‌گری حاکم شده است.

۵) پیشنهاد می‌شود که در کنار خیلی کارها که برای جبران این عقب ماندگی باید انجام پذیرد به این نکات نیز در راستای اهداف این مقاله توجه شود:

الف) مدیران عرصه‌های فرهنگی از بین افرادی متخصص انتخاب شوند که علاقمند به کارشان باشند، متعهد خدمت به هم‌نوعان باشند، در تولید فرهنگ، توجه لازم به منابع غنی ملی و مکتب داشته باشند، در تولید علم از سیاست زدگی و سیاست زدایی پرهیز نمایند.

ب) مدیران مراکز فرهنگی همت خود را بر تشویق و حمایت از تولید کنندگان فرهنگ متمرکز نمایند.

ج) در جلسات توجیهی و یا در قالب نوشته‌هایی، مشتاقان به امر تولید فرهنگ را راهنمایی و آنها را به پرداختن به هویت ملی و اسلامی و استفاده از فرهنگ متعالی شریعت ترغیب نمایند. (تشکیل کارگاه‌های آموزشی به‌طور دائم)

د) تولید کنندگان فرهنگ در عرصه‌های مختلف علمی و نظریه پردازی، شناسایی و تشویق شوند.

ه) از طرح‌های مشابه و کلیشه‌ای و نهایتاً بی‌فایده پرهیز شود و نظارت کافی در این مورد انجام گیرد.

و) از کاغذ بازی اداری که بعضاً باعث دلسردی و شاید انصراف از کار، برای تولید کنندگان فرهنگ شود، پرهیز گردد.

ز) برای اندیشیدن بدون دغدغه و تبیین آزادی بیان در چارچوب قانون، انگیزه ایجاد گردد.  
ح) مدیران فرهنگی ملزومات تولید فرهنگ اسلامی از قبیل کتابخانه‌های تخصصی، آزمایشگاه و کارگاه‌های مجهز، دستگاه‌های صوتی و تصویری و ... را تهیه کنند و در دسترس اهلس قرار دهند.

ط) دانشجویان مستعد و مدیران فرهنگی خلاق شناسایی شده و از آنها حمایت شده و آنها، در تولید محصولات فرهنگ اسلامی راهنمایی گردند.

ی) نیازهای مادی محقق و پژوهشگر در امر تولید فرهنگ اسلامی تأمین گردد، تا بتواند بدون هیچگونه دغدغه فکری به این مهم پردازد.

۶) مدیریت فرهنگی اگر بر اساس اصول اعتقادی، علمی، پژوهشی و در یک کلام درست و منطقی باشد منجر به زیر ساخت‌های توسعه، پیشرفت و اعتلای فرهنگی در جامعه می‌شود.

۷) جوامع بر اساس فرهنگ، آداب، رسوم و دیدگاهی که دارند، عمل می‌کنند، اگر فرهنگ جامعه، فرهنگ درست و عقلی باشد، یقیناً آن جامعه پیشرفت خواهد کرد و در سطح جهانی، کارآیی خواهد داشت.

۸) اگر انسانها در اثر مدیریت صحیح به جایی برسند که خوب ببینند، خوب فکر می‌کنند و اگر خوب فکر کنند، خوب هم عمل می‌کنند و با این عمل خوب، پیشرفت در جامعه را رقم می‌زنند.

## منابع

- آشوری، داریوش. (۱۳۵۷) *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آیت.
- ابی الفداء، اسماعیل بن کنیر. (۱۳۷۵) *السيرة النبویه*، مترجم هاشم رسولی، تهران: انتشارات کتابچی.
- اسدپور، احمد علی. (۱۳۸۷) *فرآیند رشد و توسعه اقتصادی*، بندر عباس: دانشگاه آزاد.
- امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۶۹) *ولایت فقیه*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۵) *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۹) *وصیت نامه سیاسی الهی*، تهران: انتشارات نشر دانش پرور.
- انصاریان، علی. (۱۳۵۷) *الدلیل علی موضوعات نهج البلاغه*، تهران: انتشارات مفید.
- برنارد، چستر. (۱۳۶۸) *وظیفه مدیران*، مترجم محمد علی طوسی، تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- جعفریان، رسول. (۱۳۷۲) *تاریخ تحول دولت و خلافت*، قم: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۶۴) *اخلاق کارگزاران در جمهوری اسلامی*، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- حاجی ده آبادی، محمدعلی. (۱۳۸۲) *مدیریت فرهنگی*، قم: انتشارات امام عصر<sup>(ع)</sup>.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳) *گفت نامه دهخدا*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رضاییان، علی. (۱۳۸۳) *اصول مدیریت*، تهران: انتشارات سمت.
- سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۳۸۹) *فروع ابدیت*، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ بیست و هفتم، ویرایش سوم.
- سیف اللهی، سیف اله. (۱۳۹۰) *جامعه شناسی توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران*، تهران: مؤسسه انتشارات جامعه پژوهان سینا.
- شهیدی، سید جعفر. (۱۳۸۰) *نهج البلاغه*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۶۲) *تاریخ طبری*، مترجم ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر.
- عسکریان، مصطفی. (۱۳۶۶) *سازمان مدیریت آموزش و پرورش*، تهران: آموزش و پرورش.
- فیضی، طاهره. (۱۳۸۳) *مبانی سازمان و مدیریت*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ملک مدنی، اشرف. (۱۳۵۶) *فرهنگ لغات و اصطلاحات علوم اداری و مدیریت*، تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.